شناسنامه

حسین شکیب راد، دبیر نوجوانه، ۱۸ ساله که ۱۸ سالشه و به قول خودش در فصل نوجوونی زندگیش باقی مونده. **زهرا قربانی** که دبیرتحریریه نشریه است، با همه جوونیش، کلی سابقه کاری داره و همین باعث شده نوجوون ها رو خوب بشناسه. زحمت رنگ و لعاب ضمیمه نوجوانه هم که باعث شده مطالب خوندنی تر شن، روی دوش **محمد لوریه**، این هم از جناب عکاس: «**احمد قجاوند**».
ولی ضمیمه نوجوانه با همت کلی نوجوون و جوون تولید می‌شه که باید بگیم دم همشون گرم!

«شایسته» سالاری!

سیدسپهر جمعه‌زاده

حکیم و فرزندش که تازه پشت لبش سبز شده بود، قبل از خروس خوان بیدار شدند و دل به کوه و کمر زدند تا برای شست‌وشوی دیگ مطبخ و رخت پلوخوری‌شان، خود را به چشمه بالا برسانند. حکیم آن روز مهمانی مهمی داشت و می‌خواست سنگ تمام بگذارد. در راه حکیم، بر هر حکمتی که داشت و نداشت دری پیش روی فرزند می‌گشود؛ بی‌خبر از آن‌که حکیمک (فرزند حکیم) در این فکر است که کرم‌ها که دست و پا ندارند، در شرایط کرونا چطور باید خودشان را بشویند تا مریض نشوند!

حکیم در ادامه حرف‌هایی که پسرش نمی‌شنید، گفت: «اما اصل حرف این است که حواست را امروز جمع کنی. در یک کلام باید حسابی توی چشم باشی! در جریانی که؟»

پسر او هومی کرد و اصلاً در باغ نبود و همچنان فکر می‌کرد احتمالاً کرونا نسل کرم‌ها و مارها را منقرض خواهد کرد، چون آنها دست و پایی برای الکلیزه کردن ندارند!

رخت و لباس‌ها شسته شدند و آن دیگی را هم که قرار بود سیرابی ظهر را فراهم آورد، برق انداختند. پس هر چه رخت بود، چلاندند و بار دیگ کردند و عازم منزل شدند.

آن روز، خانه حکیم غلغله بود. مهمان ویژه، مدیر دبیرستان پسر بود که حکیم می‌دانست کله‌پاچه و سیرابی را از کباب غاز هم بیشتر دوست دارد.

سفره در حال چیده شدن بود که حکیم عرض مبسوطی را خطاب به مدیر آغاز نمود:

«جناب مدیر! شایسته سالاری الحق‌والانصاف باید در تمام ارکان آموزش و پرورش رسوخ کند. چنانچه شما را در مدرسه این روستا چپانید. حقیر معتقدم دوران پارتی بازی و لابی و امثال آن گذشته و باید شفاف بود. در همین راستا بنا دارم شفاف‌ترین گزینه موجود و شایسته‌ترین فرد برای منصب نماینده دانش‌آموزان در مدرسه و منطقه و شهر و کشور و قاره را که حضرتعالی زحمت گزینش آن را می‌کشید، معرفی کنم و خیال مدرسه را بابت یک انتخاب درست راحت نمایم. خانم‌ها و آقایان این شما و این سالار بابا، پسرم آقا «شایسته»!» و در این حال به کله شفاف و تاس پسرش اشاره نمود.

نگاه های غافلگیر جمعیت، به سمت حکیمک که خودش هم هنوز نمی‌دانست بابایش اسمش را به «شایسته» تغییر داده است، متمرکز شد. اما

او هنوز در این فکر بود که اگر هزار پاها کمی از پاهایشان را به عنوان دست به کرم‌ها دهند، شاید نسل این موجودات بر اثر کرونا منقرض نگردد!

مدیر دبیرستان هم که رفیق جینگ حکیم بود و نمی‌خواست حرف او را جلوی جمع دوتا کند، بحث را عوض نمود و گفت: «عجب عطر و بویی دارد این سیرابی. چرا این همه به خانم زحمت دادید؟»

حکیم زیرکانه پاسخ داد: «کاری نکردیم. به یاری خدا جبران می‌کنید!»

مدیر که احساس نمود، این پسرک تنبل و کم خاصیت حکیم کم‌کم دارد در پاچه اداره‌کل می‌رود، معترض شد: «آخر برادر من! فن بیان و خطابه از اولین شروط انتخاب ماست ...»

حکیم گفت: «اتفاقا زبان این گوسفندی که سیرابی‌اش نصیبتان شده را به او داده‌ام تا زبانش باز شود.»

ـ مدیر: «بینش و تیزبینی هم لازم است و البته داشتن گوشی شنوا»

ـ «اتفاقا چشم‌ها و بنا گوش این گوسفند را هم به آقازاده داده‌ام بابت همین امر»

ـ «اصلا مثل خودت بلد است شیرین زبانی کند پیش مسوولان رده بالا؟»

ـ «اتفاقا پاچه‌های این گوسفند را هم دادم شایسته بابا بخورد از باب آموزش پاچه‌خواری»

مدیر که دید کله‌پاچه را خودشان خورده‌اند و بخش غیرقابل توصیف گوسفند را برای مهمانان آورده‌اند، گفت: «ولی مطمئنم مغزش را به این کودک نداده‌ای؛ چون در تمام طول این گفت‌وگوی ما حواسش جای دیگری است.»

و در همین حال دست برد و بزرگ‌ترین بخش سیرابی را برای خودش کشید.

حکیمک سمت پدر رفت و ناله کرد که یکی از جوراب‌هایش گم شده و از وقتی از چشمه بالا برگشتند آن را پیدا نمی‌کند. مدیر مدرسه هم یک نگاهش به پای بی‌جوراب حکیمک بود و دلش می‌خواست باور نکند دلیل تکه نشدن سیرابی زیر دندان‌هایش چیست و در دل آرزوی مرگی فجیع می‌کرد!

پیام‌های خود را به پست الکترونیکی ضمیمه نوجوانه به نشانی زیر ارسال کنید.
info@jamejamdaily.ir

شماره پیامک ۳۰۰۰۱۱۲۲۳ نیز راه ارتباطی دیگر ما با شماست

مزایـــده ۹۹/۲۹۸۷/ ماشین‌آلات کتبی مرکز فروش کـوثـــر

مرکـز فـروش کوثـر در نظر دارد، **تعـداد ۱۴ دسـتگاه انـواع ماشـین‌آلات مسـتعمل ذیـل** را از طریـق مزایـده کتبـی بـه فـروش رسـاند.

تنوع ماشین‌آلات:

لودر کوماتسو ۴۰۰ WA- لودر ولوو L۹۰F- لودر XGMA

آدرس محل بازدید:

کیلومتـر ۷۵ اتوبـان قـم- کاشـان، بعـد از مشـکات، سـمت راسـت، پـادگان شهید حسـن‌زاده

تلفن تماس: **۰۲۱-۴۴۵۴۹۱۲۵**

● الف) شرایط مزایده:

◄ **۱** – اهلیت قانونی خریدار (همراه داشتن اصل و کپی کارت ملی الزامی می‌باشد.)

◄ **۲** – متقاضیـان مزایـده می‌بایسـت در ایـام بازدیـد نسـبت بـه دریافـت پاکـت شـرکت در مزایـده اقـدام نمـوده و فـرم مربوطـه را بـه همـراه سـپرده بـرای هـر دسـتگاه ماشـین‌آلات، **۱۰**٪ قیمـت بـرآوردی کـه از طریـق کارت‌هـای بانکـی عضـو شـبکه شـتاب (به‌نـام شـخص خریـدار) و یـا فیـش واریـزی پرداخـت می‌گـردد، به فروشنده تحویل نمایند.

◄ **۳** – متقاضـی می‌بایسـت پاکـت پیشـنهاد قیمـت را تـا پایـان وقـت اداری روز **دوشـنبه ۱۲ خـرداد مـاه** بـه قسـمت مربوطـه تحویـل نمایـد.

◄ **٤**– به پیشنهاد مبهم، مشروط، مخدوش یا فاقد سپرده یا پیشنهاداتی که بعد از موعد مقرر برسد، ترتیب اثر داده نخواهد شد.

◄ **۵** – در صورت انصراف برنده مزایده، سپرده به نفع فروشنده ضبط خواهد شد.

◄ **۶** – برنـده مزایـده مکلـف اسـت عـلاوه بـر قیمـت خریـد، **۲**٪ بابـت هزینه‌هـای جانبـی مزایـده بـه فروشـنده پرداخـت نمایـد.

◄ **۷** – فروشنده در رد یا قبول پیشنهادها مختار می‌باشد.

◄ **۸** – کلیه هزینه‌های پس از فروش به عهده برنده مزایده می‌باشد.

● ب) زمان و مکان:

◄ **زمـان بازدیـد، دریافـت و تحویـل اسـناد مزایـده:** روزهای **شـنبه** و **یکشـنبه ۱۰** و **۱۱ خـرداد مـاه ۱۳۹۹** صبح از ساعت **۸** الی **۱۲** و عصر **۱۴** الی **۱۶**

◄ **زمان بازگشایی پاکت‌ها:** روز **سه‌شنبه ۱۳۹۹/۰۳/۱۳**

◄ **آدرس محـل دریافـت و تحویـل پاکت‌هـا:** تهـران، کیلومتـر ۸ جـاده مخصـوص کـرج، شـهرک اسـتقلال، جنـب درمانـگاه شـهید صنیع‌خانـی، مرکـز فـروش کوثـر

تلفن تماس: **۰۲۱-۴۴۵۴۹۱۲۵**

ساعت پاسخگویی صبح از ساعت ۸ الی ۱۲ و عصر ۱۴ الی ۱۶ مدیریت مزایده: ۰۲۱-۴۴۵۴۹۱۲۵ مدیریت خدمات پس از فروش: ۷-۰۲۱-۴۴۵۴۹۱۱۶ آدرس اینترنتی: www.Kosar-net.ir